

مرحوم دکتر سید فخرالدین شادمان

شناخت ملل

یادداشت‌هایی از جمند از سید جلیل دانشمند مرحوم دکتر سید فخرالدین شادمان تنمده الله بفرانه بیادگار مانده است که در بیخ بود اهل ادب و تحقیق از آن بهره‌مند نشوند. این یادداشت‌ها عجاله بتدریج در مجله ینما انتشار می‌یابد تا بعداً با قطعی کوچکتتر به صورت کتابی خاص در آید. چون مقالات مسلسل معمولاً در صفحات متن چاپ می‌شود از این که در صدر مجله واقع نشد معذور و متأسف است. از توجه خاص بانوی دانشمند بزرگوار فرنگیس شادمان نهایت امتنان را دارد. مجله ینما

بنام خداوند جان و خرد
چون ملائک گو که لا علم لنا
کزین برتر اندیشه بر نکذرد
یا الهی غیر ما علمتنا
سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا انک انت العلیم الحکیم.

فصل اول

در شناختن ملل مقصود اصلی جد و جهد نمودنست در پی بردن با اوضاع و احوال و دریافت دقائق حالات و صفات امروزی هر ملت منظور. آشنائی با روح و فکر و زبان و تمدن و فرهنگ و کیفیات زندگی مادی و معنوی يك ملت سیصد چهارصدساله کم اهمیت خود وقت بسیار می‌خواهد تا بشناخت کامل تحولات چندصدساله ملل بزرگ دارای تمدن و فرهنگ عالی چه رسد. با اینهمه درس مهم این علم شیرین که آن را «شناخت ملل» می‌توان نامید تحقیق دقیق‌بست، موافق روش تحقیق علمی، در کیفیت پدید آمدن و درجه اثر بخشی و اثر پذیری تمام عوامل و یکایک پیوندهای مهمی که از آغاز تا امروزی روز در ساخت هر ملت مؤثر افتاده است. پس کوشیدن در شناخت اوضاع و احوال فعلی ملت بی تحقیق در وقایع و حوادث بزرگ و عوامل و علائق نافذ و بهم پیوسته عملیست بیهوده. اما بحکم عقل باید عوامل مؤثرتر و پیوندهای محکمتر را مقدم داشت و شرح و وصف آنها را لازم‌تر شمرد.

عامل مهم شناخت ملل

باعث کوشیدن در شناختن ملتها کنجکاو و این طبع بشریست که انسان را بر آن داشته

است که خود را در حالتها و کیفیتهای مختلف، در گروه وحشی و نیم وحشی و در خانه و در ده و شهر و در میان ملت همکشور و همسود و همزبان و همسر نوشت و هم آرزوی خویش ببیند و بکیفیات گوناگون آمیخته با حیات ملی آشنا شود. «شناخت ملل» را یکی از مظاهر مهم «شناخت انسان» باید شمرد و پیشرفت در آن آدمی را بدریافت نکته‌ها و دقیقه‌های شناختن آدمیزاد مدد میرساند.

هرملت همعصرما خلاصه و عصاره و مظهر زنده و باقی مانده قوای پایدار ملی و نمایشگاه دائم در تحول عجیبیست که از عوامل و اجزاء گوناگون، اعم از نژاد و زبان و دین و وقایع تاریخی و حوادث طبیعی بوجود آمده؛ عواملی و اجزائی که در هر عصری از اعصار عمر ملی مکان و زمان صورتی خاص باو بخشیده و صورتی که اکنون جلوه گریست صورت امر وزین اوست. اقوام و ملل بسیارند و شناخت هر یک از ایشان و تحقیق در باب روابط مختلف میان دو یا بیش از دو ملت جذبه‌ای دارد لذت بخش. هرملتی را فردی زنده میتوان انگاشت دارای صفات خوب و بد و قوای گوناگون و مرضهای جسمی و روحی با این تفاوت که خود میمیرد و ملت غالباً پایدارست. ملت‌هایی بوده‌اند که از میان رفته‌اند، بعضی دراز عمر و برخی کوتاه زندگی.

مللی موجودند که از مبداء ظهور ایشان خبری صحیح در دست نیست و ملت‌های دیگر هست که آغاز کارشان را بتقریب تعیین میتوان کرد. ملتی هست چهارزبانه دائم در صلح و آرامش مانند سوئیس، و ملتی دوزبانه پیوسته در بحث و جدال و نزاع مثل بلژیک، و ملتی دارای یک زبان شامل لهجه‌های دور از هم صاحب خطی مرکب از علائم گوناگون، هر علامتی نشان کلمه‌ای مانند ملت چین. خط چینی که بجای حرف علامت دارد هم باین علت حافظ زبان چینی شده است.

در وحدت روح و فکر و نهاد بشری شك نمیتوان کرد و اختلافی که میان افراد یک ملت و ملت‌های مختلف هست در درجه قدرت فکری و استعداد و ادراکست و این همه نیز دائم در تحولست. با اینهمه وجود ملل گوناگون را باید نتیجه تحولی طبیعی شمرد و بودن هر ملت خود بزرگترین دلیلست بر لزوم وجود آن.

برطالب شناخت ملل و اجیست که بکوشد تا بداند که هرملتی چه بوده و از چه مرحله‌ها گذشته و چها کرده و اکنون چیست و چه میکند و چه میتواند کرد.

اهمیت شناخت ملل

«شناخت ملل» موضوعیست مهم و دقیق و بمعنی وسیع آن شامل هرآن چیزیست که معرف کامل ملتی باشد اعم از روح او و فکر و زبان او و دین و مذهب و حالات و صفات او. علمی که بمدد آن باید ملل را شناخت خود در عالم علمیت جدید و بتحقیق در ایران ناموجود و موجود نمیتواند بود جز بر اثر جنبش فکر مستقل و داشتن نیت و اراده ملی برای شناختن ملت‌های دیگر.

در این کار «شناختن ملل» دائم مقایسه در میانست و هر مقایسه‌ای را مقیاسی باید. لازم می‌نماید که عقاید ملل را در باب یکدیگر نیز بدانیم. خواندن آنچه فرانسوی در حق انگلیسی و آنچه آلمانی در خصوص فرانسوی نوشته مفیدست اما کافی نیست. چرا که ما هم باید

باستقلال فکر، رای و نظری راجع بملت فرانسه و انگلیس و آلمانی و سایر ملل داشته باشیم. هم بسبب اهمیت موضوع و جدید بودنش، و هم بعلمت کمی وقت که در يك سال نمیتوان بیش از يك یا دو ملت را اندکی شناخت بی فایده نیست که اصول و کلیات «شناخت ملل» درج گردد تا در شناختن هرملتی بکارآید.

برملت ایرانست که باین موضوع توجه خاص نماید تا بتدریج مواد لازم برای تحقیق جمع شود و فکر و نظر جهت دریافت نکات و دقائق و شناخت صفات و صدور حکم نزدیک بحقیقت در باب ملل، پرورده تر گردد. آندره موروا گفته و درست گفته است که هر قومی بمنزله آینه ایست که هر مسافری خود را در آن میبیند. سعی ما در شناخت ملل و مقایسه دائم ما را بحالات و صفات ما نیز آشناتر خواهد کرد. در آخر این باب فصلی خاص هست راجع بآنچه ایران باید برای آشنائی با منابع اطلاع و جمع آوری مواد و پرورش محقق و متخصص ملت شناس و غرب شناس و طریقه و تدوین و نشر معلومات جهت استفاده ملت ایران انجام دهد.

توجه روزافزون بشناخت ملل

از چندی پیش علی الخصوص در این ایام هر ملت زنده بیدار بتناسب احتیاج و قدرت و مسائل و مشکلات و وسائل و استقلال فکر خویش در کار کوشیدنست برای کشف حالات و صفات و اوضاع و احوال واقعی ملت های دیگر. برای رسیدن بمقصود از ساده ترین روش جاسوسی و خبرچین پروردن و استعلام از افراد طبقات مختلف تا مطالعه حاصل فکر و ذوق ملی و خصایص بزرگان ملت همه بکار میرود.

آلمان که از ابتکار و فکرنو و طریقه نو کمتر هر اسی دارد بعد از جنگ اول شناخت فرهنگ، ملی را جزء مواد دروس دبیرستانهای آلمان کرد تا از طریق آشنائی با فرهنگ هر ملت آن را خوبتر بشناسند، چرا که بعقیده آلمانی بمشاهده مظاهر فرهنگست که قدرت ابتکار اصیل خارجی را بهتر میتوان سنجید. در سال ۱۹۴۱ میلادی «روان شناسی ملل» را جزء دروس دانشگاهی پذیرفتند. این موضوع را از ارکان «شناخت ملل» باید شمرد و توجه خاص بآن را دلیل اهمیت این علم باید گرفت.

مثلا در این کوشش برای شناخت فرانسه ملت آلمان، گذشته از سایر مقاصد، میخواهد بخواس ابن Danerfranzore «ابن فرانسوی پاینده» ثابت قدم پی ببرد، کسی که بتحول روزگار در ثباتش تغییری روی نمیکند (۱).

هم در هنگام صلح و هم در وقت جنگ آنچه بصورت اعلام نامه و رساله و کتاب و معرفی نامه در باب خلق و خوی و صفات و حالات دوست و دشمن مینویسند جزئیست قلیل از آنچه مشمول موضوع «شناخت ملل» باید شمرده شود. در امریکا و کتب مختلف برای معرفی ملل دیگر بامریکائیان نوشته شده است علی الخصوص برای کسانی که بتجارت و سیاحت یا جهت انجام دادن مأموریتی بخارج از امریکا میروند و عنوان دانستن یکی از آنها (The Art of Overseamanship) (۲) است.

1- P. 97 Psychologie des Peuples par Abel Miroglio

2- Harland Cleaveland and Gerfard I. Mangone

این همه را فروع موضوع وسیع «شناخت ملل» باید گرفت و بدیهیست که متناسب هر وقتی و مقامی و احتیاجی باید از قسمتی که مفید و لازم افتد بقدری که باید استفاده شود.

گذشته از انواع فایده که از شناختن ملل عالم میتوان برد فایده و لذت معنوی آشنائی با جمعی از هموعان که بصورت ملتی نماینده فعالیت چند قرن و چند نسل هزاران هزار همکشور هموطن همسود همزیانند خود بتمخیم نمی آید از آنکه این آشنائی و این خواهندگی در طریق شناخت حقیقی ملتی یا ملتگاهی منظور بر کیفیت زندگی می افزاید و آدمی را بنهادانسان و جمیع خواص آن واقفتر میکند.

در معامله سیاسی و اقتصادی و در اقتباس از تمدن و فرهنگ خارجی «شناخت ملل» تأثیر عظیم دارد و گاه بر اثر آشناشدن با روح و فکر و خصائص يك ملت در رای و نظر پیش از وقوف تحولی بزرگ نمایان میشود. اکنون که بدلیری و روح حادثه جوی ژاپونی و صفات او بیشتر آشنائی هست ننگ شکست روس تزاری از ژاپون نه چندان عظیم می نماید که بود. چرا که اعمال بعد ملت ژاپون نیز ثابت گرد که غلبه ملت ژاپون در جنگ مذکور امری اتفاقی نبوده و با خصائص ملی ژاپونی رابطه هاداشته است. باری غرض از ذکر این مطالب بیان این نکته است که توجه خاص بموضوع جذاب شناخت ملل بحکم عقل و تدبیر و برای افزایش کیفیت زندگی و دور بودن از اشتباه و جلب منفعت و دفع مضرت لازم می نماید.

قدمت توجه بشناخت ملل

جد و جهد در شناختن ملل که اکنون بصورت شعبه ای مهم از علم درمی آید و اصول و قواعد و قوانینش مدون میشود هم از قدیمترین ایام، بحکم طبع کنجگاو بشری، در میان بوده است. آنچه در زبان فارسی و عربی و یونانی و لاتینی و ایتالیائی و فرانسه و انگلیسی و آلمانی و سایرلسنه مهم در باب اخلاق و آداب و خصائص ملل دوست و دشمن و دور و نزدیک نوشته شده است همه را باید مقدمات و اجزای این علم شمرد. در شاهنامه و در مقدمه، ابن خلدون و در کتب گوناگون راجع بحالات و صفات ملتگاهی مختلف نکته هاست.

در مؤلفات هرودوت راجع باقوام شرق و غرب مطالبی در جست از نوع آنچه در این ایام در کتب و صاف روح ملل یافت میشود. بقراط اختلاف مزاج و خلق و خوی اقوام را معلول عوامل طبیعت، ارتفاع زمین، درجه حرارت، مسیر و موسم باد شمرده و ساکنان نواحی مختلف را بر حسب آنها دسته دسته کرده است. موضوعی چنین مهم و جذاب از نظر بزرگانی صاحب فکر از قبیل افلاطون و ارسطو و توسیدید و دموستن دور نمانده و در نوشته های ایشان آثار کوشش در شناخت و وصف ملل نمایانست. تاسیت هم در اکثر مؤلفات خویش علی الخصوص در «آلمان» اخلاق و صفات و خصائص قوم ژرمنی را چنان خوب و دقیق بیان کرده است که این کتاب را باید از آثار معتبر قدیم در شناخت ملل شمرد. راسین که گفته اش در فرانسه بفصاحت مثلست تاسیت را بملت قدرتش در شناخت حالات و صفات اشخاص و ملل بزرگترین نقاش اوصاف روزگاران باستانی، Antiquité خوانده است.

ولتر و مون تس کی یوی فرانسوی و ویکو مورخ و فیلسوف ایتالیا (۱۶۶۸-۱۷۴۴) و

هر در و هکل آلمانی را از بزرگانی باید شمرد که از آثارشان برای شناخت ملل نکته های مفید بسیار میتوان بدست آورد .

مشکلات

وسعت و عظمت موضوع و کثرت و تنوع اجزاء و عوامل و رابطه موضوع با ذات و حالات و صفات و خصائص بشری کار تحقیق و مقایسه و استدلال و استنباط مطلب و شناخت واقعی ملل را سخت میکند . هم شناختن و هم موضوع درجه ها دارد ، از آشنائی با کلیات آنچه مر بوطست بملتی تا سعی بلیغ در شناختن هر آنچه دانستنی است و شناختنی و از شناخت کوچکترین ملت تا شناخت گروههای مختلف مهم از قبیل اقوام زرد و آنگلسا کسونی و عرب و اقوام عربی زبان . شك نیست که مقصود شناختن ملت است اما همچنانکه پی بردن بمختصات محیط در معرفت بحال هر ملت مؤثرست تأمل و تحقیق در اوضاع و احوال هر ملت در جمع گروه ملل هم اصل همزاد نیز لازم می نماید .

شناختن ملت های دیگر برای ملل بزرگ دانشمندان وسیله دار دشوار است تا بلت های کم - وسیله کم سرمایه کم دانش چه رسد . کار «شناختن» ملل لااقل دو طرف دارد یکی ملت خواننده شناختن و دیگری ملت برگزیده از میان ملل که مطلوب شناختن اوست و در این عمل پنج حالت صورت پذیرست :

۱ - کوشش ملت مهم وسیله دار صاحب تمدن و فرهنگ عالی در شناختن ملتی چون خود . این کوشش بی حاصل نخواهد ماند و پایداری در تحقیق دقیق شناخت آسانتر و کاملتر خواهد بود .

۲ - کوشیدن ملتی بزرگ و مهم دارای تمدن و فرهنگ عالی در شناخت ملت کوچک : این مجاهدت متناسب اهمیت و درجه تمدن و فرهنگ ملت کوچک شناخت را سهلتر میکند . اهمیت و درجه تمدن و فرهنگ هر چه کمتر کار شناخت آسانتر میشود و احاطه بر خصائص ملی زودتر انجام میپذیرد .

۳ - سعی ملت کوچک دانشمندان واصل بدرجات عالی تمدن و فرهنگ در شناخت ملت بزرگ که اهمیت کم فرهنگ . در این کار ملت کوچک بامشکلات بسیار مقابل نخواهد شد . چرا که محیط شدن چنین ملتی کوچک بر ملتی که عدد افرادش بیشتر و تمدنش ساده تر و فرهنگش کمتر باشد کاری چندان مشکل نیست .

۴ - جد و جهد ملت کوچک که شمه ای از صفاتش نوشته شد در شناختن ملت بزرگ مهم صاحب تمدن و فرهنگ عالی . توفیق برای ملت کوچک میسرست اما بسختی چرا که در این کار هم فکر و اراده و تمدن و فرهنگ لازمست و هم وسیله های متنوع .

۵ - کوشش ملت کم وسیله کم دانش برای شناختن ملت های دیگر . چنین ملتی نه خود را نه هیچ ملت کوچک یا بزرگ ، کم تمدن یا صاحب تمدن و فرهنگ را میتواند شناخت و نباید وقت و پول و فعالیت خود را در شناختن دیگران ضایع کند . چرا که شرط اول قدم پیشرفت در این کار خود شناختنست .

باری درجه شناخت متناسب مستقیم دارد با درجه پروردگی فکر و زبان و کنجکاو و احتیاج و ضرورت و با ذوق و قدرت اراده ملتی و قوه مردم شناسی ملت خواننده شناختن دیگران . مشکل همه در مشاهده و مطالعه و شرح و وصف خصائص ملی نیست . سختی بیشتر در

کشف عللست که همیشه پی بردن با آنها بهسولت میسر نمیگردد . در این شك نیست که ملت ژاپون پیش از هزملت شرقی بدقائق رکن مهم تمدن جدید فرهنگی یعنی تکنولوژی آشناشد و بیان کامل این کیفیت خود مهست وسزاورتحسین. اما دریافت علت مهمترست وشناخت خصائص ملی محتاجتر .

آشنائی با خصائص ملی وروح ملی نه چندان دشوارست که بوصف آید. ریمون شارل Raymond Charles در اوائل کتابش موسوم به «روح مسلمانان» Ame Musulmane امینویسد چگونه میتوان موضوع نامسخرشدنی راشرح داد . بعقیده او وصف حالات روحی هرچنداز تعلق گوئی واستهزاء دورباشد بازغیر ازجزئی ازحقیقت را آشکارانخواهد کرد . آنچه بنام «روح ملی» خوانده میشود در نظر این مؤلف خیالیست واهی .

فایف همیلتن Fyfe Hamilton نیز در کتابی موسوم به «تصورواهی خصائص ملی» Illusion of National Character مشکلات پی بردن به «روح» ملی را بیان کرده است . بااینهمه مایوس نباید بود وبجکم آنکه شناختن ملل کاریست سخت و شناخت کامل کاری نزدیک بمجال باید کوشید وبقدرممکن بارکان وعوامل ومظاهر آشنا شد وباسرار ورموزو دقائق ومختصات روح وفکر و زبان وهر آنچه معرف هرملتست باید چندانکه لازم و ممکن باشد هرچه خوبتر پی برد که مالاپدرک کله لایترک کله .

مشکلات رابهانه نباید آورد وازسختی نباید هراسید وسعت دامنه عرصه تحقیق وکثرت وتنوع اجزاء وعوامل وصعوبت مطالعه درمواد لازم برای تحقیق وسختی استدلال واستخراج مطلب همه را باید دلیل اهمیت موضوع وعلو مقام علم شناخت ملل شمرد . بجد وجهدهم جمیع مشکلات رانمیتوان از میان برداشت . در این طریق پیشرفت کاریست بسیار دشوار باید منزل بمنزل بجانب مقصد رفت و در این راه سالک طالب معرفت در هر مرحله چیزهای دیدنی و شناختنی ومطلبهای دانستنی چندان خواهد دید و خواهد یافت که در هرمرحله بسیر درمرحله دیگر مشتاقتر خواهد شد .

آنکه از آلمان غیر از اسم چیزی نشنیده از این سرزمین چیزی نمیداند اما هوشمند فرزانه ای خواننده آشنائی با آلمان وداوطلب شناختن خلق وخوی وروح وفکر آلمانی و آنچه ساخته فکر وذوق وفعالیت اوست بخواندن هر مقاله ای ورساله ای وکتابی وبمشاهده هر اثری ، مظهر اعمال گوناگون آلمانی ، ازبازیچه وکتاب بچگانه تاراه و کارخانه وکلیسا وآثار گوته وکانت بمقصد که معرفت یافتن بملت آلمانست نزدیکتر میشود .

عقیده فایف همیلتن و ریمون شارل - و نظایر آنان را باید بیاد داشت ولیکن این همه رساله وکتاب همه در باب معرفت روح وخوی وخلق ونفس وصفات وحالات وخصائص ملی را هم نباید از یاد برد . هم نوشته آنان را باید خواند وهم بمؤلفات امثال جفری گورر Geoffrey Gorer باید مراجعه کرد که سه کتاب تألیف کرده است باسم «امریکائیان» تحقیق در خصائص ملی» در معرفت روح «The Americans, A Study in National Character» و «مردم روسیه بزرگ» تحقیقی در معرفت روح «The People of Great Russia, a Psychological Study» وسومین کتاب

بنام «استکشاف خصائص انگلیسی» Exploring English Character

ملل زنده بسیارند ، کوچک وبزرگ ، کم تمدن ومتمدن وبعضی در مراحل عالی تمدن وفرهنگ وهمه در حال تغیر وتحول دائم ویکایک مشمول اصول وقواعد کلی شامل اوضاع و

احوال مادی و معنوی و روحی و علمی و ادبی و هنری و اقتصادی و سیاسی مرحله‌ای که هرملتی اکنون در آن سیر میکند، کیفیتی که معلول درجه قدرت و فرصت فعالیت و چگونگی اثر بخشی و اثر پذیری تمام عوامل و ارکان و اجزاء پرورش دهنده قوای ملیست بوسیله‌ترین معنی آنها، پیوند میان عوامل و مظاهر و تأثیر آنها یکی در دیگری و اکثر یا همه در یکی و یکی در همه نیز هست و باید چگونگی تحول یکایک را در زبان و مکان مربوط بموضوع، بقدری که برای شناختن ملتی لازم و کافیست، هر چه خوبتر دانست که چه بوده است.

برای رسیدن باین مقصودست که باید از اکثر شعب علم مدد خواست و بعلمت اهمیت موضوعست که هم فعالیت در طریق شناخت ملل و هم مولفات و مصنفات گوناگون در این باب روزافزون گشته است. (ناتمام)

تقدیم به دوست و استادم دکتر مهدی حمیدی.

برهنه سر مست

دشت و دمن خفته با شکوه بهاران
مستی افیون بود بکام خماران
تا که بهوش آردت خروش هزاران
گوشه چشم ارکنی به آینه داران
ای تن نغزت بهشت بوسه گساران
گنج مرادی، ولی به چنبر ماران!
در تو نگبرد اگر ستایش یاران!
آنکه نگاری نباشدش ز نگاران
چون گل افسرده از نوازش باران

پنجره بگشا که زیر نم نم باران
لطف هوا در مشام جان سحر خیز
پرده بیکسو زن ای برهنه سر مست
رشک و نوسی بدوش و گردن دلخواه
برچمن آسای و بوسه بازی من بین
چون بتو پیچم به حلقه حلقه بازو
دشمنت از من به دشمنی نر باید
تا چه نگارند ازو به دفتر هستی
عشق فریدون، ز بوسه‌های تو بشکفت